

شرایط قاضی - مذکر بودن

برگه جلسه :

صفحه 215 و 216

بررسی و نقد ادله نفی و اثبات

بررسی و نقد ادله نفی

1. ادله قرآنی

الف) بررسی و نقد استدلال به آیه: «الرجال قوامون على النساء» در گذشته¹ وجه استدلال به آیه معلوم شد و جان استدلال به این بود که: «القيومة بمعنى الولاية و تكون عامة لجميع الشؤون و ليست مختصة بالزوجية و يكون المراد من التفضيل جعل الفضيلة له تشريعاً و تكويناً».

این استدلال سه نکته را مسلم گرفته تا به مطلوب مورد نظر خود رسیده است؛ بدین ترتیب:
مفاد آیه انشاء است نه خبر.

قیمومت در آیه به دلیل تأدیه آن به «علی» نه به «باء» به معنای ولایت، تسلط در تدبیر و تأدیب و... بر همه شئون است.
مراد از رجال و نساء شوهران و همسرانشان نیستند، بلکه صنف مردان و زنان مراد است.

(جلسه صدم)

برای وقوف بیشتر بر مفاد آیه لازم است، به کل آیه و آیه بعد توجه شود؛ بدین قرار:

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنِ اطَّعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلاً إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيماً كَبِيراً»².

نقد

در دلالت آیه بر مراد در هر سه مرحله ای که گذشت، ملاحظاتی وارد شده یا قابل ورود است. می توان به ترتیب گفت:

(پایان جلسه)

1. این احتمال در آیه وجود دارد که خداوند از عهده داری مردان نسبت به امور زنان در تکوین خبر می دهد و خروج و عدم اعتنا به این احتمال وقتی میسر است که قوام به معنای صاحب ولایت و تسلط شرعی معنا شود و الا این احتمال مدافعی ندارد. این احتمال، وقتی موجه تر رخ می نماید که آن را مقدمه و زمینه برای دستورات بعد در آیه به حساب آوریم.

2. تفسیر قیمومت به آن چه در استدلال گذشت، و با آن گستره، یکی از تفاسیر و برداشت های محتمل از آیه و این واژه است و الا برای این فرضیه رقیب دیگری هم وجود دارد.

برخی از نویسندگان فرضیه رقیب را این گونه ارائه داده اند:

«...گروهی از لغویها، عهده داری و مسئولیت در نظریه دیگر، گروهی از لغویها و مفسران، «قوام» را به معنای مدیریت و یک مسئولیت صرفاً اجرایی دانسته اند و بر این اساس مرد بر زن هیچ گونه ولایتی ندارد و قیمومت در آیه مورد بحث به معنای این است که در روابط زناشویی، مرد در مقابل همسرش مسئول و مراقب است و باید نسبت به کارها و نیازهای وی قیام و اقدام نماید: و قوله تعالی: «الرجال قوامون على النساء» یعنی برای پرداخت نفقه به آنها و مراقبت از آنها قیام می کنند. گاهی قیام به

معنای محافظت و اصلاح می‌آید و این گونه است سخن خداوند که فرمود: «الرجال قوامون على النساء» و قوله تعالى: «الا ما دمت عليه قائما» اى ملازما محافظا. همانند این معنا در لسان العرب نیز آمده است. این منظور آیه مورد بحث را به عنوان شاهد بر این معنا ذکر کرده است و می‌گوید: «قيم المرأة یعنی: زوج المرأة؛ زیرا مرد به زن و نیازمندیهای او قائم است. ایشان در جای دیگر می‌گوید: قيم زن، شوهر اوست؛ زیرا مرد به احتیاجات زن خود قیام می‌کند و این که در قرآن عزیز فرموده است: «الرجال قوامون على النساء به این معناست (و الله اعلم) که مردان متکفل نیازهای زنان و کمک کار آنها در نیازهایشان هستند»³.

این گروه معتقد نیستند که تعدی «قوامون» به «على» معین وجه اول از دو وجه مورد اشاره در آیه باشد؛ به همین خاطر کسی نسبت به کریمه: «وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بَدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا»⁴ با این که ماده قیام با «على» متعدی شده است، احتمال ولایت را نداده است. همچنین در کریمه: «افمن هو قائم على كل نفس بما كسبت»⁵ قائم به معنای مراقب آمده است.

از همه این امور که بگذریم: آیه یا مخصوص شوهران و همسران است یا شوهران و همسران را نیز در بر می‌گیرد، در هر دو حال ولایتی به معنای مطلق، مردان بر زنان ندارند و کلماتی در تفسیر آیه به مثل: «يقومون عليهم أمرين ناهين، كما يقوم الولاية على الرعايا و سمو قوماً لذلك»⁶، اگر اطلاق آن مراد باشد ملتزم به فقها و قابل دفاع فقهی نیست.

1. ص 188.

2. سوره نساء: 34 و 35.

3. بررسی فقهی مدیریت زنان در مناصب سیاسی، ص 139 و 140.

4. آل عمران: 75.

5. رعد: 33.

6. الکشاف، ج 1، ص 505.

مشروح درس :

بسم الله الرحمن الرحيم

بحث به جای بسیار حساسی رسیده است. ما در نقد و بررسی آیه ی «الرجال قوامون على النساء» هستیم. ما کمتر آیه ای داریم که در این دهه های اخیر به اندازه ی این دو آیه در اطرافش بحث شده باشد. در این باره کتاب های زیادی نوشته شده است مثل «ریاست خانواده» یا «مدیریت زنان» یا «داوری در حقوق خانواده» و ده ها مقاله و پایان نامه ای که نوشته شده است. مفسران هم که از صدر اسلام به این طرف ورود کرده اند حتی لغوی ها وقتی می خواستند واژه ی قوام را بررسی کنند به این بحث ورود کرده اند.

«الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض و بما انفقوا من اموالهم»

مردان قوام هستند بر زنان

مردان یعنی شوهران و زنان یعنی همسران یا مردان یعنی صنف مردان بر صنف زنان؟ این اولین نکته.

قوام هستند یعنی دارد خبر از خارج می دهد یعنی بدانید مردان اینطوری هستند و با این خبر خداوند زمینه را فراهم می کند برای تکالیف بعد اما در ابتدا خداوند خبر می دهد یا این که خبر به قصد انشاء است یعنی ما قرار دادیم مردان را قوام بر زن ها در شریعت؟ این نکته ی دوم.

قوام یعنی مسلط هستند؟ ولایت دارند؟ مخصوصا با کلمه ی «علي» که آمده است مثل این که می گوئیم : امام قائم است بر مأموم، ولایت دارد، حق امر و نهی دارد، تسلط دارد یا به معنای محافظ، مراقب است یعنی رجال محافظان و مراقبان نساء هستند؟

دلیل این قوام بودن چیست؟ به دو دلیل

اول: فضل الله بعضهم علي بعض خداوند متعال برتری داده است برخی انسان ها را بر برخی دیگر، برتری جسمی، برتری عقلی، برتری در مدیریت، تدبیر، برتری در اداره ی خانه و کشور و نظام.

دوم: بما انفقوا من اموالهم به این دلیل که مردان از اموالشان انفاق می کنند به زنان. در سیستم اسلام اینطور نیست که زن خرجش با خودش باشد، مرد هم با خودش چنانکه اینطور نیست که زنان باید خرج خود را بدهند خرج مردان را هم بدهند بر عکس مردان باید خرج زنان را بدهند هر چند زن دارا باشد و مرد فقیر.

بعدمی فرماید : فالصالحات قانتات حافظات للغيب بما حفظ الله. مردم بدانید زنان صالح زنان متواضع هستند (قانت یعنی متواضع، تسلیم، مطیع) حافظات غیب هستند یعنی در خانه ی شوهر که هستند اسرار را نگه می دارند، اموال شوهر را، آبروی شوهر را، اموال خانه را و حتی دامن خود را چون آن هم از غیب مرد است. حافظات غیب خانه و خانواده و همسرانند در مقابل آنچه خداوند حفظ کرده است برای آن ها. یعنی اینطور نیست که آن ها فقط حمال و حافظ خانه و خانواده و همسران باشند بلکه حقوقی هم برگردن مرد گذاشته است برای زن، در مقابل ما حفظ الله آن ها هم حافظات غیب هستند. «و اللاتي تخافون نشوزهن فعظوهن واهجوهن في المضاجع و اضربوهن فان اطعنكم فلا تبغوا عليهن سبيلا ان الله كان عليا كبيرا» برخی زنها صالحات نیستند، قانتات نیستند مطیع نیستند نشوز دارند یا آثار نشوزشان ظاهر شده است (این نشوز چیست؟ این نافرمانی به چه معنایی است؟ چه کار کرده اند که می گوئید نافرمان شده اند؟ در این جا بحث های بسیاری است). منظور از نشوز یعنی تمکین نمی کنند و الا صرف اینکه دستور شما را انجام نمی دهند که مهم نیست، نشوز یعنی تمکین نمی کنند به تعبیری وظیفه ی زناشویی را انجام نمی دهند یا وظیفه ی همسری را مراعات نمی کنند. می گوید من نمی خواهم شما شاغل باشی قبول نمی کند، نمی خواهم شما بیرون بروی قبول نمی کند، عرف و شرع همسر را قبول نمی کند؛ دیدم یکی از دوستان ما تفسیر سومی از این آیه کرده است. ایشان با مقدماتی که خود ایشان چیده است گفته منظور از نشوز آلوده دامنی زن است. منتهی در کمتر از زنا، با نامحرم می گوید، می خندد، نافرمانی از فرمان شوهر در اطاعت از بستر و ارتکاب فاحشه غیر از زنا. اگر این باشد مقداری تند می شود، مقاله ی ایشان را می توانید با عنوان «نگاهی نو به تفسیر نشوز زوجه در قرآن» چاپ شده در دو فصل نامه قرآن فقه و حقوق اسلامی شماره 4 ببینید. من به مناسبتی که این بحث را در دانشگاه علوم اسلامی رضوی علیه السلام مشهد داشتم این مقاله را نقل و نقد کردم، صوتش روی سایت هست چون ما نظر چهارمی داریم که عرض خواهم کرد) شما زنان را موعظه کنید چون مدیر شما هستید و اگر جواب نداد بسترشان را جدا کنید، کنار هم نخواستید و نهایتا اضربوهن (در این جا هم بحث هایی است که مراد از ضرب چیست؟ نکاتی دارد این اضربوهن، آن چه مسلم است باید در محدوده ی برگرداندن زن باشد) تا وقتی که اطعنکم، لذا تا اطعنکم شد دیگر نمی توانید عقده گشایی کنید و ادامه دهید فلا تبغوا عليهن سبيلا. حالا اگر يك زماني همین ضرب زوجه در همین فضاي نشوز هتك حرمت زن حساب شود، يك زماني زنان افتخار می کردند که شوهرشان او را زده است پس معلوم می شود که به او توجه دارد و نسبت به آن ها حساس است و برایش مهم است اما يك زماني است که اگر زده شود نه تنها اطاعت نمی کند بلکه هتك حریم حساب می شود و ممکن است خانواده متلاشی شود، آیا می توانیم این آیه را به عنوان يك قاعده ی کلی به حساب آوریم یا باید اصل راهکار را باید از این آیه بگیریم نه شکل راهکار را. آیه ی بعد: «و ان خفتم شقاق بينهما فابعثوا حکما من اهله و حکما من اهلها» اگر احساس می کنید دارند از هم جدا می شوند دو نفر را حاکم کنید، یکی از خانواده ی شوهر یکی از خانواده ی همسر یا حکم از خانواده ی شوهر (ولو خود حکم غریبه باشد، من اهله متعلق به ابعثوا است نه وصف حکما و همینطور حکما من اهلها) البته حکم ها باید قصد الهی و اصلاح داشته باشند ان یریدا اصلاحا این مشاوره ها خوب است ولی گاهی می گویند اول این مبلغ به حساب واریز کن بعد بیا ولی آیه يك چیز مقدس گونه ای را بیان می کند. و این ان یریدا آیا آن زن و مرد یا آن دو حکم؟ اگر حکم ها قصد اصلاح داشته باشند خداوند بین زن و مرد توفیق ایجاد می کند و قلبشان را به هم نزدیک می کند.

مشاهده کردید که فضا فضاي خانواده است اگر از ابتدا نگوئیم مسلم از بما انفقوا وارد خانواده می شود و فضا فضاي

مدیریت خانواده است حال آیا از این آیه می توانیم اولاً يك حکم شرعی استخراج کنیم و ثانیاً از خانواده به غیر خانواده، انتخابات مجلس، وزارت، وکالت، فرمانداری، قضاوت، ببریم؟ اگر بردیم تا کجا؟ اگر نبردیم در خود خانواده چطور معنا کنیم؟ زن چقدر باید در خانه مطیع شوهر باشد، مرد چقدر می تواند فرمان بدهد؟ به هر صورت اگر این آیه بخواهد دلالت کند باید آن سه مرحله را که بیان کردیم را بگذرانند. اگر هر کدام از این مقدمات به اثبات نرسد شما برای بحث خودمان که تصدی زنان در مناصب کلیدی از این آیه نمی توانید استفاده کنید.

الحمد لله رب العالمين